

Memoir writing and its place in Iranian historiography of the Qajar period

By: Simin Fassihi ¹ and Somayeh Abbasi ²

Abstract

Familiarity with modern methods of historiography and the transformation of Iranian historiographical methods has been one of the most important achievements in dealing with the manifestations of modernity in Iran's Qajar Era. The most important concerns of this research are the study of the formation and development of memoir writing and determining its place in the process of historiography of the Qajar period. The framework and general spirit of the present study seeks to answer the question that what effect and place did the flow of memoirs have in the process of historiography of the Qajar period? Findings of the study indicate that the sources of memoirs can be considered as a type of historiography related to the Qajar dynasty, which was formed in the middle of the Nasserite era under the influence of modern European ideas and manifestations, but it took different route from its western examples. In the West, memoir-writing, by emphasizing on the originality of human existence, were more at the disposal of the personal feelings and moods of their authors and placed under category of literature. While Iranian memoir-writers, aware of this "I" and "crystallizing" it in "social We", put it not at the service of expressing their own feelings and existential originality, but in describing the political and social events around them. Due to the critical atmosphere that prevailed in many political, cultural, social and economic fields at that time, these memoirists also turned their memoirs into a field for expressing these criticisms. This private sphere, which was created in the personal privacy of these soliloquies, became a means of criticizing various issues from a historical and critical point of view, with their awareness of the disorder of their society. Their works became secret historiography due to their secrecy and informality and the presentation of pristine information

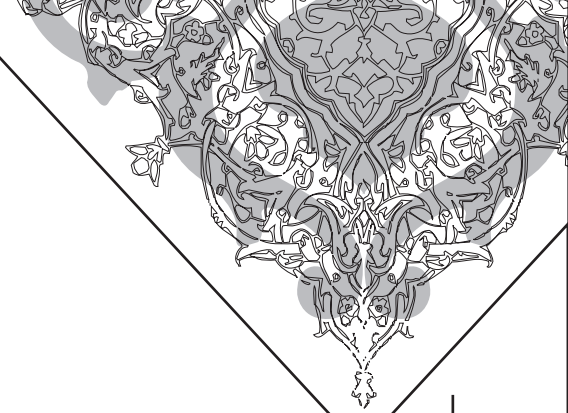
1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of History, Al-Zahra University, s.fasihi@alzahra.ac.ir
2. PhD student in Iranian History, Tarbiat Modares University, somayehabbasi179@yahoo.com, (Responsible author)



from the political, social, cultural and economic situation and works with high credibility in the historiography of this period. Considering the importance of the Constitutional Revolution, we divided the memoirs related to the Qajar period into two periods: Before and after the Constitution from a historical perspective, and according to the class base of the memoir-authors, which fall into two groups of the dominant and middle classes. Existence of 14 memoir-writers, with 15 works in the first period and notably their heeding to recording issues of political history and 27 memoir-writers in the post-constitutional period with 27 works and their attention to recording the events of social history and the life of the masses clearly demonstrates the effects of the Constitutional Revolution on this historical-literary campaign. The existence of 15 memoir-authors of the second period in the middle class and the fact that there are only 2 memoir-writers of this class in the first period, in comparison with the 12 memoir-writers of the dominant class of this period, also well proves the hypothesis that the Constitution Revolution led to a shift in the class base of the memoir-authors from the ruling class in the first period to the middle class in the second period. In valuing memoirs from a historiographical point of view, according to the class base of memoirists, which has directly influenced their thoughts and reasons, as well as the way they write memoirs, and according to characteristics such as having insights and views of historians and critics, and the extent to which these memoirists used documents, correspondence, and orders, as well as the extent to which they provided pristine historical and political data, given that most memoirists were from the ruling class and were involved and aware of many important events, and according to the special class base that has dominated many currents, the value of the memories of this class can be preferred to the second class. However, due to the wide expression of social issues by middle-class memoirists, special value should be given to the group and not diminished their importance. In general, it should be noted that modern memoirism, which itself was formed under the influence of modern European ideas and had a special evolution with the Constitutionalist movement, like other Iranian historiographical methods of this era, while being influenced by the cultural and social conditions of their society also caused a change in the presentation of historiographical materials in terms of style and prose, subject and history technic, as well as the language of reporting events.

Keywords: Memoir, Memoir-writing, Historiography, Constitution, Qajar Era





خاطره‌نویسی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری ایرانی دوره قاجاریه

■ سیمین فصیحی^۱ سمیه عباسی^۲

چکیده

آشنایی با شیوه‌های نوپدید تاریخ‌نویسی و دگرگونی روش‌های تاریخ‌نگاری ایرانی، از مهمترین دست‌آوردهای مواجهه با مظاهر مدرنیته در ایران عصر قاجار بوده است. خاطره‌نگاری جدید، بر پایه آگاهی از «من فردی» و «هویت جمعی»، از گونه‌های مطرح در این حوزه به شمار می‌رود که از میانه عصر ناصری متأثر از اندیشه‌ها و نمودهای اروپایی رخ نمود و موازی با عمر این سلسله، به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، بسی توسعه و تحول یافت. بررسی چگونگی پیدایی و گسترش خاطره‌نویسی و تشخیص جایگاه آن در روند تاریخ‌نگاری دوره قاجار، اصلی‌ترین دغدغه این پژوهش است؛ دغدغه‌ای که از پروای شناختن و شناساندن بخشی از منابع تاریخی این سرزمین سرچشمه می‌گیرد و تا کنون کم‌تر به معرفی آنها پرداخته‌اند. پیدایی بحران در بینش تاریخ‌نگاری سنتی (رسمی) بر اثر رواج باورهای نوپدید اروپایی و انتقال تاریخ‌نگاری از حوزه عمومی به حوزه خصوصی و ثبت آن با رویکرد منتقدانه به شیوه خاطره‌نگاری و جابه‌جایی پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران از طبقه مسلط به طبقه متوسط بر اثر انقلاب مشروطه، از یافته‌های این پژوهش درباره پرسش پیش‌گفته است. پذیرش این دیدگاه که خاطرات دوره قاجار از منابع مهم تاریخ‌نگاری آن زمان به شمار می‌روند، با توجه به پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران و تعیین ملاک و شاخص‌هایی چون عرضه داده‌های بکر تاریخی مستند به اسناد و مکاتبات و دارا بودن منظر مورخانه و انتقادی، سنجه‌هایی در زمینه ارزش‌گذاری جایگاه خاطرات در تاریخ‌نگاری فراهم می‌آورند. این پژوهش در این فرآیند خاطره‌های خاطرنویسان طبقه مسلط را از دیگر خاطره‌ها ارزش‌مندتر می‌شمرد.

کلیدواژگان

خاطره، خاطره‌نگاری، تاریخ‌نگاری، مشروطه، عصر قاجار، طبقات اجتماعی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهراء
s.fasichi@alzahra.ac.ir
۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری تاریخ ایران دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)
somayehabbasi179@yahoo.com



مقدمه

جنگ‌های ایران و روس به گشودگی چشم و گوش برخی از ایرانیان ترقی‌خواه به روی دنیای جدید انجامید و نخستین زمینه‌های اقتباس از دست‌آوردهای فکری و مادی تمدن جدید اروپایی را در ایران فراهم آورد. آشنایی با تاریخ‌نگاری جدید و انواع آن از همین دست دست‌آوردها بود که هم از میانه همین دست دست‌آوردها بود که ایرانیان از میانه عصر ناصری مقبول افتاد و در نظر آمد با آن آشنا شدند. این آشنایی با شیوه‌های جدید و انتقاد درباره سنت تاریخ‌نویسی کهن ایرانی، حاصل تحول ذهنی و دگرگونی جهان‌بینی و افق فکر ایرانی و تغییر درباره باورهای سنتی و ریشه‌دار حاکم بر نظام فکری ایرانیان بود. خاطره‌نویسی و وقایع‌نگاری روزانه بر پایه من فردی و هویت جمعی، در قالب گونه تازه‌ای از تاریخ‌نگاری پنهانی و غیر رسمی، ناظر به نقد شیوه رایج ثبت روی داده‌ها (تاریخ‌نویسی آشکار و فرمایشی) پدید آمد.

این پژوهش پس از شناسایی و شناساندن این منابع، به بررسی چگونگی شکل‌گیری این نوع از تاریخ‌نگاری و عوامل مؤثر در تحول و تکامل آن و ارزش‌گذاری و تعیین جایگاهش در زمینه تاریخ‌نگاری دوره قاجار می‌پردازد. این کار تا کنون به این شیوه صورت نپذیرفته است، بلکه بیش‌تر پژوهش‌ها در این زمینه، مطالعات موردی درباره شماری از خاطرات این دوره به شمار می‌روند.

مرز دقیقی میان انواع خاطرات و دیگر گونه‌های مشابه آن همچون سفرنامه و وقایع‌نگاری نمی‌توان یافت، بلکه بر پایه انواع خاطرات و زندگی‌نامه‌ها که خود گونه‌های بسیاری دارند، میدان این حوزه از وسعت خاصی برخوردار است، اما این پژوهش بر کتاب‌های منتشر شده با عنوان دقیق خاطرات یا کتاب‌هایی متمرکز است که متخصصان به تواتر آنها را در جرگه «خاطره‌نگاری» جای داده‌اند. با توجه به اینکه هدف پژوهش بررسی متن خاطرات دوره قاجار است، پس از شناسایی خاطرات این دوره (۴۲ اثر)، بنابر تقسیم‌بندی تاریخی، شماری از آنها در دوره پیش از مشروطه و برخی از آنها در دوره پس از مشروطه گنجانده‌اند. مقاله مبتنی بر ویژگی‌های کلی این آثار، نمودار کمی آنها را ترسیم کرده و با استفاده از شاخصه‌هایی چون میزان استفاده آنها از اسناد و مکاتبات و فرمان‌ها، ناقدانه یا مورخانه بودن آنها و عرضه داده‌های بکر تاریخی، به تحلیل جایگاه و تأثیر آنها در روند تاریخ‌نگاری دوره قاجار با توجه به پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران پرداخته است. این آثار مکتوب، از منابع تاریخ‌نگاری عصر قاجار به شمار می‌آیند و این مقاله با توجه به روش‌ها و اطلاعات پیش‌گفته، در پی پاسخ‌گویی به چستی نسبت خاطره‌نویسی با تاریخ‌نگاری دوره قاجار و چگونگی تأثیر آن در تاریخ‌نگاری این دوره است.

پیدایی خاطره‌نویسی در دوره قاجار

خاطره‌نویسی و خاطره‌گویی، به معنای امروزی آن، هنگامی در جامعه یا دوره‌ای خاص رواج می‌یابد که «من فردی» و «هویت جمعی» در آن جامعه پدید آید؛ یعنی انسان‌ها به استقلال شخصیتی و نقش فردی خود پی ببرند (کمری، ۱۳۸۳: ۷۶). چنین خاطره‌نویسی با این ویژگی‌ها در تاریخ ایران، از





میانه عصر ناصری آغاز شد و واکاوی علل پیدایی‌اش با بررسی چگونگی ورود مدرنیته و مظاهر آن به جامعه ایرانی امکان می‌پذیرد.

مدرنیته به آسیب‌ناک‌ترین و بیدارگرترین شکل خود؛ یعنی امپریالیسم نظامی‌گرا، به ایران و بسیاری از دیگر کشورها آمد. دودمان قاجار در آغاز سده نوزدهم میلادی، با حمله بی‌پروای مدرنیته در قالب فشار و دست‌درازی نظامی مواجه شد؛ چنان‌که روسیه تزاری از شمال و بریتانیا از جنوب به ایران یورش آوردند و حاکمان خود را در این زمینه ناتوان یافتند. نخستین کار چشم‌گیر حکومت ایران برای مقابله با سلطه اروپای مدرن، اعزام دانش‌جویان ایرانی به اروپا و استخدام کارشناسان اروپایی به‌ویژه مشاوران نظامی، بود. حاکمیت وقت در نخستین رویارویی ایران با مدرنیته، بیش‌تر به عرصه‌های نظامی و فن‌آوری معطوف بود، اما در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی نیز کنج‌کاوی می‌کرد (وحدت، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۸). چنان‌که در زمینه‌های فرهنگی مستقیم از این پدیده نوآمد، تأثیر پذیرفت. تأسیس دارالفنون، رواج صنعت چاپ، روایح روزنامه‌نگاری در ایران، ترجمه تواریخ، رمان‌ها، داستان‌ها و نمایش‌نامه‌های اروپایی در چارچوب نهضت ترجمه، مصادیقی از این تأثیرپذیری‌اند. ایرانیان دوره ناصری نخستین بار از طریق ترجمه با آثار فلسفی، عقلی و علمی دانش‌مندان و فیلسوفان اروپایی آشنا شدند و اندیشه‌های جدید فلسفی و عقلی غرب، به ذهن و فکر ایرانی راه یافت؛ چنان‌که کتاب معروف *گفتار در روش به کار بردن عقل* نوشته دکارت با عنوان *حکمت ناصریه* یا *کتاب دیاکرت* به فارسی ترجمه شد (۱۲۸۷ ق). مشوق و بانی ترجمه این کتاب کنت دو گوبینو کاردار سفارت فرانسه در ایران بود. یک سال پیش از ترجمه این کتاب، علی‌قلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم *فلک السعاده* را بر پایه تحقیقات نیوتن و آرای ابوریحان بیرونی و ابونصر فارابی نوشت. میرزا تقی انصاری کاشانی هم در این سال‌ها کتاب *اصل/انواع بنا بر انتخاب طبیعی* داروین را با عنوان *جانورنامه* به فارسی ترجمه کرد (آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۸-۲۶). *حکمت ناصریه* یا *کتاب دیاکرت*، شکی در اندیشه‌های پیشینیان افکند و ذهن ایرانی را با تعقل و تفکر علمی آشنا کرد؛ چنان‌که باور «می‌اندیشم؛ پس هستم» به منظومه فکری اندیشه‌گران ایرانی درآمد و *فلک السعاده* اعتضاد السلطنه نیز در نفی خرافه‌پرستی و چیرگی باورهای نجومی بی‌پایه و پوسیده بر زندگی و حیات فردی و جمعی ایرانی سامان یافت و در القای اندیشه آزادی و اختیار و اراده انسانی تأثیر گذارد.

این کتاب‌ها خوانندگان فراوانی داشتند و کمابیش در تحول ذهنی و عقلی ایرانیان مؤثر افتادند. دیدگاه‌های متفکران اروپایی همچون آگوست کنت، دیوید هیوم، جان لاک، جان استوارت میل و ژان ژاک روسو نیز اندیشه انتقادی را نزد اندیشه‌گران ایرانی موجه می‌نمود (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۷۸). بنابراین، تحول فکری، ذهنی و عقلی نخبگان ایرانی، زمینه روی کرد انتقادی را به باورهای سنتی (کهن) به‌ویژه در زمینه انسان‌گرایی و تاریخ و تاریخ‌نگاری فراهم آورد. ملکم خان ناظم الدوله، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا فضل‌الله‌خان خاوری، میرزا فتحعلی آخوندزاده، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، عبدالرحیم طالبوف تبریزی، میرزا محمدجعفر خورموجی و اعتماد السلطنه را از مورخان و اندیشه‌گرانی



می‌توان برشمرد که در آثارشان به نقد شیوه‌های سنتی تفکر و تعقل پرداختند و با پیروی از اندیشه‌های غربی، مسیر تحول اندیشه و تاریخ‌نگاری ایرانی را باز و به پیدایی شیوه‌های تازه تاریخ‌نگاری کمک کردند. خاطره‌نویسی نیز بخشی از همین شیوه‌های تازه بود.

تاریخ‌نگاری ایرانی که ریشه‌ای استوار و دیرپا داشت، خودش را از تحولات و تغییرات تدریجی جدید در منظومه فکری و مادی زندگی انسان ایرانی دوره ناصری، نتوانست بر کنار نگاه دارد، بلکه خواسته یا ناخواسته با این تحولات و این پدیده فرهنگی و اجتماعی همراه شد؛ چنان که زبان گزارش روی داده‌ها و موضوع و فن تاریخ و تاریخ‌نویسی در سبک و نثر، متحول گردید (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۲۰۳). پیدایی خاطره‌نگاری جدید را از مظاهر این تحول می‌توان برشمرد که روشی غیر رسمی و پنهانی در ثبت وقایع روزانه و منظری انتقادی و صراحت و شجاعت بیانی دارد و اطلاعات بکر تاریخی عرضه می‌کند. تحول یاد شده از نقد شیوه سنتی تاریخ‌نگاری سرچشمه گرفت و از اندیشه اروپایی تأثیر پذیرفت و خاطره‌نگاری در جایگاه روشی برای تکمیل روند مبارزه و انتقاد به کار گرفته شد. بیش‌تر خاطره‌نگاران با آگاهی از من فردی و هویت جمعی، آن را ابزاری برای عرضه اطلاعاتی فراتر از زندگی خصوصی خویش می‌دانستند و آثاری را پدید آوردند که به‌رغم خاستگاه غربی‌شان، مسیری جدا از مسیر خاطره‌نویسی غربی می‌پیمودند؛ یعنی بیش‌تر در جرگه منابع تاریخی جای می‌گرفتند نه آثار ادبی و زندگی‌نامه‌های غربی.

خاطره‌نویسی غربی بر اصالت وجودی انسان و بیش‌تر در خدمت شرح حال درونی نویسنده متمرکز بود و از همین روی، در مقوله ادبیات می‌گنجید، اما خاطره‌نگاران ایرانی با آگاهی از این «من» و «تبلور» آن در «مای اجتماعی»، آن را نه در خدمت بیان احوال و اصالت وجودی خویش، بلکه در شرح وقایع سیاسی و اجتماعی پیرامون خود به کار بستند. با توجه به سیطره فضای انتقادی آن زمان بر بسیاری از حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، این خاطره‌نگاران نیز خاطره‌نویسی خویش را به ابزاری برای عرضه نقد بدل کردند. این حوزه خصوصی در حریم خلوت شخصی «حدیث نفس» نویسان پدید آمد و مبتنی بر آگاهی آنان از بی‌سامانی وضع جامعه‌شان، به وسیله انتقاد تاریخی درباره اوضاع زمانه بدل گشت. آثار آنان را بر اثر پنهانی و غیر رسمی بودنشان و برخورداری آنها از اطلاعات بکر درباره وضع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تاریخ‌نگاری مخفی می‌توان خواند و آنها را آثاری معتبر در این زمینه می‌توان برشمرد.

این آثار به‌رغم منظر نقادانه‌شان و به‌رغم اینکه نمایان‌گر من فردی نویسندگان بودند، با توجه به تحلیل‌های آنها، علمی‌تر از دیگر منابع تاریخ‌نگاری آن زمان به شمار می‌روند. البته این آثار به آسیب‌ها و کمبودهایی نیز دچار بودند که شاید برجسته‌ترین آنها «خودسانسوری» و تبرئه خویش‌تر از بیش‌تر گروه‌ها و خطاهای سیاسی و اجتماعی زمان باشد. انقلاب مشروطه نیز در دوام و تحول این پدیده بسی تأثیر گذارد؛ زیرا عظمت وقوع این انقلاب و ضرورت ثبت روی داده‌های آن، گروه‌های خاصی را به سوی این نوع تاریخ‌نویسی کشاند و از منظر کمی و کیفی به تغییراتی در آن انجامید.



منابع خاطره‌نگاری عصر قاجار

شمار کتاب‌های خاطرات دوره قاجار کمابیش ۴۲ است که آنها را می‌توان در دو دوره پیش از مشروطه (چهارده خاطره‌نگار و پانزده اثر) و پس از مشروطه (۲۷ خاطره‌نگار و ۲۷ اثر) گنجانند. دوره اول از سلطنت ناصرالدین شاه تا مرگ مظفرالدین شاه (۱۳۲۴ - ۱۲۶۴ ق) شاید مهم‌ترین و پرحادثه‌ترین سال‌های حکومت قاجارها به شمار آید؛ زیرا تغییرات و تحولات مهم، در این دوره آغاز شد و ایرانیان با بیش‌تر پدیده‌های جدید در این دوره آشنا شدند. خاطره‌نویسی نیز از گونه‌هایی بود که میانه عصر ناصری در ایران پدید آمد و به‌زودی گسترش یافت.

کمابیش پانزده خاطره در دوره نخست پدید آمد و تثبیت شد. بیش‌تر نویسندگان این خاطرات از طبقات بالای جامعه و اشراف بودند و به همین سبب خاطراتشان نیز بیش‌تر کار و بار سیاسی آنان و دغدغه‌های بالادستان را گزارش می‌کند. هفت خاطره از پانزده کتاب مذکور، روزانه ثبت شده‌اند و نام «روزنامه خاطرات» را می‌توان بر آنها نهاد. دو خاطره تک‌موضوعی و شش خاطره کلی‌اند. موضوع بیش‌تر این خاطرات سیاسی و اجتماعی است. همه خاطره‌نویسان این دسته، مردانی از طبقات بالای اجتماعند (نمودار شماره ۱):

سرهنگ اسماعیل میرپنجه (۱)، میرزا محمود تقی آشتیانی ملقب به عمادالدتر فرزند میرزاعلی آشتیانی (۲)، ناصرالدین شاه (۳ و ۴)، میرزا طاهر بصیرالملک شیبانی (۵)، میرزا قهرمان امین لشکر (۶)، محمدعلی غفاری (۷)، محمدحسن‌خان اعتماد السلطنه (۸)، عباس میرزا ملکآرا (۹)، دوست‌علی معیر-الممالک (۱۰)، حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی (۱۱)، میرزا علی‌خان امین‌الدوله (۱۲)، میرزا حسین دیوان‌بیگی (۱۳)، مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۴)، میرزا محمدعلی‌خان ملقب به فرید الملک (۱۵).

انقلاب مشروطه از تحولات سیاسی ایران بود که بسیاری از تاریخ‌نگاران، آن را برآمده از پیدایی بحران در ساختارهای سیاسی و اجتماعی آن دوره می‌دانند. انقلاب مشروطه به‌رغم همه ضعف‌هایش، به سلسله جنبش‌ها و قیام‌هایی انجامید و مردم را به صحنه سیاسی و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی برانگیخت و مقولاتی همچون آزادی، قانون و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش را در اذهان افراد جامعه پدید آورد. تأثیر این خیزش و تحول عظیم در تحولات تاریخ ایران، بسیار برجسته و مهم می‌نماید؛ چنان‌که آن را سبب آغاز یا کمال اندیشه‌ها و نمودهای جدید در عرصه‌های گوناگون می‌توان برشمرد. روند خاطره‌نویسی جدید که میانه عصر ناصری با تأثیرپذیری از اندیشه‌های جدید اروپایی در ایران پدید آمد، همچون بسیاری از دیگر پدیده‌های جدید، متأثر از انقلاب مشروطه مرحله‌ای جدید و روندی خاص در تاریخ ایران به دنبال آورد. عظمت وقوع این انقلاب نیز هم‌زمان با پیدایی‌اش آشکارا محسوس بود و افراد بسیاری را بر این داشت که آن واقعه بزرگ را ثبت کنند.

دوره دوم از مشروطه آغاز می‌شود و با فرجام دوره قاجاریان پایان می‌پذیرد. خاطرات این دوره از تحول کمی و کیفی برخوردار شدند و هدف‌گایی بیش‌تر آنها، ثبت روی‌دا‌های مشروطه بود. کمابیش ۲۷ خاطره در این دوره ثبت شد که بیش از دو سوم آنها از مهم‌ترین خاطرات دوره قاجار به



شمار می‌روند. یازده خاطره از این ۲۷ عنوان، روزانه و چهار خاطره، سالانه ثبت شده‌اند و کمابیش ده خاطره فضایی تک‌موضوعی دارند که البته محور اصلی آنها مشروطه است. گزارش درباره مشروطه و روی داده‌های مرتبط با آن در کمابیش بیست خاطره این عصر، از مهم‌ترین بخش‌های خاطره‌نگاری دوره قاجار به شمار می‌رود و همین ویژگی نیز به تأثیر انقلاب را موضوعات مضبوط در خاطرات بازمی‌نماید. دو خاطره نیز در این میان کلی و به روی داده‌های سال‌های پایان دوره قاجار ناظرند (نمودار شماره ۴). سیزده تن از خاطره‌نگاران این دوره، نوشته‌های خود را در دوره میان‌سال، نه نفر در دوران جوانی و پنج نفر در دوران کهن‌سالی ثبت کرده‌اند.

بیش‌تر خاطره‌نگاران دوره دوم از طبقات بالای جامعه نیستند، بلکه افرادی از دیگر طبقات هم به این عرصه آمده‌اند. یازده نفر از آنان، از طبقه مسلط و ده نفر نیز از طبقه متوسط قدیم و پنج نفر از طبقه متوسط جدید جامعه، به ثبت خاطره پرداخته‌اند. پانزده تن از خاطره‌نگاران در تقسیم‌بندی کلی، در طبقات متوسط جامعه جای می‌گیرند و یازده نفر از آنان در طبقات بالای جامعه. انقلاب مشروطه و عظمت وقوع آن، گروه‌هایی را از طبقات متوسط جامعه به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کشاند و حتی دست آنان را به خاطره‌نگاری گشود و از این دید به تحولی فرهنگی انجامید. به تعبیر دیگر، انقلاب مشروطه و ضرورت ثبت روی داده‌های آن، موجب چرخش پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران از طبقات بالای جامعه به لایه‌های میانی و طبقات متوسط جامعه شد (نمودار شماره ۲ و ۳).

حضور طبقه روحانیان و تاجران و کسانی از دیگر طبقات متوسط جامعه میان خاطره‌نگاران این دوره با توجه به غیبت این طبقه در دوره پیشین، بر همین تحولی دلالت می‌کند. از دید جنسیتی نیز حضور دو خاطره‌نگار زن در این دوره، از اهمیت برخوردار است: سردار مریم بختیاری، زنی از طبقه اعیان بختیاری، نخستین خاطره‌نویس زن در این دوره بود که آثارش ویژگی‌های دل‌نوشته‌ای زنانه را دارد، اما به هر روی، پدیده‌ای جدید در خاطره‌نگاری عصر مشروطه به شمار می‌رود. صراحت بیان، تحلیل‌های عمیق درباره اوضاع زنان و جامعه و لطافت و سادگی خاص زبان وی، ویژگی‌هایی‌اند که آسان نمی‌توان از کنارشان گذشت. خاطرات سردار مریم و بردارزاده اش سردار اسعد سوم را هم‌چنین در بخش دیگری از آن تقسیم می‌توان جای داد؛ یعنی بنابر تقسیم خاطره‌نگاران از دید زبانی و قومیتی، دو خاطره‌نویس لرزبان از ایل بختیاری و سه خاطره‌نویس ترک‌زبان آذربایجانی (شرف الدوله، حاج محمد تقی جواریچی و بجویه) در دسته سومی در این زمینه جای می‌گیرند. تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه نیز دیگر زن خاطره‌نگار دوره دوم است که خاطراتش به شناخت روحیات و تفکرات زنان طبقات بالای جامعه بسیار کمک می‌کند و با خوانش آنها درون آن طبقه را می‌توان کاوید و به عمق بسیاری از مسائل پنهان زنان آن گروه پی برد.

با توجه به تنوع خاطره‌نگاران این عصر از دید طبقه و اندیشه، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی در این زمینه محتمل است. برای نمونه، بیش‌تر خاطره‌نگاران طبقه متوسط و حتی چند تن از اشراف از روشن‌فکران، تحصیل‌کردگان و مبارزان انقلاب مشروطه بودند که هم‌زمان با مبارزه عملی، به ضرورت



ثبت حوادث هم پی بردند. برای نمونه، حیدرخان عمو اوغلی، از فعالان عصر مشروطه، هم‌زمان با مبارزاتش، خاطرات کوتاهی را نیز از خود به یادگار گذاشته است.

فهرست نام‌های ۲۷ خاطره‌نگار دوره دوم که آثارشان از روی داده‌های پیش‌گفته متأثر بود، بدین شرح است:

غلامعلی عزیزالسلطان ملیجک(۱۶)، علی‌خان قاجار ظهیرالدوله(۱۷)، میرزا ابراهیم‌خان کلانتری با غمیشه‌ای (شرفالدوله تبریزی)(۱۸)، تفرشی حسینی(۱۹)، حاج محمدتقی جواربچی(۲۰)، محمدعلی بن آقا محمدرضا محلاتی معروف به حاج سیاح(۲۱)، ناظم الاسلام کرمانی(۲۲)، علی‌محمد دولت‌آبادی(۲۳)، حاج شیخ محمد مهدی شریف کاشانی(۲۴)، قهرمان میرزا عین السلطنه(۲۵)، دوست‌علی معیر الممالک(۲۶)، میرزا مهدی‌خان ممتحن الدوله(۲۷)، سید محمد کمره‌ای(۲۸)، بی‌بی مریم بختیاری(۲۹)، عبدالحسین شیبانی وحیدالملک(۳۰)، محمد ولی‌خان خلعت‌بری تنکابنی(سپهسالار اعظم)(۳۱)، محمودخان غلامیر (احتشام السلطنه)(۳۲)، یحیی دولت‌آبادی(۳۳)، میرزا عبدالجواد اخوت(۳۴)، محمدحسین‌خان قزوینی ملقب به عماد‌الکتاب(۳۵)، میرزا سید محمد رضوی معروف به نواب وکیل(۳۶)، جعفرقلی‌خان سردار بهادر(۳۷)، حاجی محمدباقر ویجویه(۳۸)، حیدرخان عمو اوغلی(۳۹)، تاج السلطنه(۴۰)، علی دشتی(۴۱)، محمد ولی میرزا فرمانفرمایان(۴۲).

جایگاه خاطرات در تاریخ‌نگاری دوره قاجار

خاطره از دید تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری با فرض اینکه بدون دست‌کاری عمدی یا کاستی و پریشانی بر اثر فراموشی و با دقت نوشته شود و به‌ویژه به تقریرات تقویم ایام مستند باشد و به کمک یادداشت‌ها، نامه‌ها و مدارک صاحب خاطره یا دیگران فراهم آید، از منابع اصلی و مهم تاریخی به شمار می‌رود(کمری، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۷). بنابراین، ناظر به ارزش‌گذاری خاطرات از دیدگاه تاریخ‌نگاری و با توجه به اینکه این آثار در جرگه منابع تاریخی - ادبی جای می‌گیرند، آنها را از منظر علمی و ادبی نیز می‌توان در سه دسته گنجانند:

۱. خاطره و زندگی‌نامه، نوعی ادبی است یا در جرگه مقوله‌های ادبی می‌گنجد؛
۲. خاطره و زندگی‌نامه نوعی ادبی نیست، بلکه آن را در مجموعه اطلاعات تاریخی باید جای داد؛
۳. خاطره تلفیقی از ادب و تاریخ است و از این‌رو، بیش‌تر خاطره‌ها از مقوله ادبیات تاریخی به شمار می‌روند.

بنابراین، ویژگی اصلی (ذاتی) خاطره‌ها، تاریخی - اسنادی و اسنادی بودن آنها و ویژگی عرضی ادبی آنها تنها به خصلت زبانی (کلامی) و ساختاری آنها وابسته است (کمری، ۱۳۸۳: ۷۷). بنابراین مطالعات صورت گرفته، خاطرات عصر قاجار از نوع سوم و در جرگه ادبیات تاریخی جای دارند و وزن داده‌های تاریخی آنها بر وزن ادبی آنها می‌چربد. البته این آثار از دید ادبی نیز ویژگی‌هایی دارند که پیش از ارزش‌گذاری آنها از دید تاریخ‌نگاری، شماری از این ویژگی‌ها بدین شرح عرضه می‌شوند:



۱. سادگی نثر و روانی متن

این ویژگی بی‌گمان ناگهان پدید نیامده، بلکه از عوامل و اوضاع و احوال زمان متأثر بوده است. شاید یکی از چند عامل مؤثر در پیدایی این ویژگی، نهضت بازگشت ادبی بوده باشد. آشنایی ایرانیان با نوشته‌های فرنگی، نهضت ترجمه و تأسیس دارالفنون را نیز از عوامل مؤثر در روانی و سادگی نثر انواع متون دوره قاجاری می‌توان برشمرد. خاطره‌نگاری جدید نیز بنابر اقتضای زمان، از آغاز پیدایی‌اش آشکارا از الگوی ساده‌نویسی نثر متأثر و خود در تکمیل آن مؤثر بود. مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی این خاطرات، صلابت نثر و سادگی متن آنهاست. توجه خاطره‌نگاران به زیبایی نثرشان، بیش‌تر در مقدمات خاطرات رخ می‌نماید که کلمات آهنگین و مسجع را در بردارند (۴۲). بیش‌تر این «حدیث‌نفس»‌نویسان به سادگی و روانی متن خاطراتشان توجه کرده‌اند. البته شماری از مؤلفان آنها افزون بر مهم شمردن صحت مطالب، در زیبانویسی نثرشان می‌کوشیدند که خاطرات اعتماد السلطنه، امین الدوله، نظام السلطنه مافی از این دست نمونه‌هایند و متن آنان، بر این دعوی گواهی می‌دهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۳۷۱؛ امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۱۷).

۲. الگوپذیری از ادبیات غربی

وام گرفتن از ویژگی‌هایی ادبیات غربی از دیگر ویژگی‌های این آثار است. ادبیات غربی مشوق پرداختن به خاطره‌نویسی بود و افزون بر این، نویسندگان خاطرات در کار بست واژگان فرنگی و بهره‌گیری از شیوه ساده‌نگاری از این ادبیات وام گرفتند. استفاده از واژگان غربی به‌ویژه فرانسوی و گاهی روسی و انگلیسی، در این آثار به‌ویژه آثار تاج السلطنه، ملیجک، مسعود میرزا ظل‌السلطان، فرید الملک همدانی و شرف الدوله تبریزی، نمایان است. (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۹۹-۱۰۰؛ ظل‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۲؛ ۵۶۲؛ کلانتری باغمیشه‌یی، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۸). هم‌چنین اعتماد السلطنه و معیر الممالک، از خاطره‌نگاری غربی مستقیم تأثیر پذیرفتند (الهی، ۱۳۷۵: ۱۰). گروهی از این خاطره‌نگاران نیز متأثر از رمان و داستان‌های غربی به خاطره‌نویسی روی آوردند. برای نمونه، تاج‌السلطنه در آغاز خاطراتش به این تأثیرپذیری تصریح کرده است. (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۲۰).

نثر زندگی‌نامه‌های خودنوشت عصر قاجار بیش‌تر «همه‌فهم» بود و متأثر از سادگی آثار ادبی دوره بازگشت در عهد قاجاری، به قلم آمده است. ارتباط نویسندگان این آثار با فرنگ و فرنگی‌ها و تأثیرپذیری از مظاهر و افکار آنان نیز از عوامل سادگی نثر این خاطرات بود. از این‌رو، برخی از این یادداشت‌ها در نوع خود آثاری والا به شمار می‌روند که بر سلطه ادبی مؤلف بر سرگذشت‌نامه خودش دلالت می‌کنند. شماری از آنها نیز رتبه میانه‌ای دارند. با توجه به شیوه آموزش ادبی به محصلان و دانش‌آموختگان این عصر، کم‌تر شرحی را درباره این گونه مکتوبات می‌توان ضعیف شمرد. بیش‌تر خاطره‌نویسان، نتوانستند آثارشان را در دوره زندگی‌شان منتشر کنند و از این‌رو، نمی‌توان تأثیر آنان را در ساده‌نویسی آن روزگار ارزیابی کرد، اما همه این آثار را امروز می‌توان از دید انعکاسی آنها بررسی کرد.



آثاری برآمده از جامعه آن دوران، آرزوهای مردم و طرز فکر دیگراندیشان را بازمی‌تابند و از منظر سبک، آیینی آخرین تحولات اسلوب نگارش زمان خودشانند.

به‌رغم اختلاف سلیقه‌ها و مشرب‌های خاطره‌نویسان با یک‌دیگر، خود خاطرات در دقت تشریح و سنجیدگی قضاوت‌ها مشابه یک‌دیگرند. شور قومیت‌خواهی، ایران‌دوستی، برخورداری از دانش سیاسی در پرتو نثری مختصر و بی‌آرایه، اما شورانگیز و فاخر، در آثار این افراد آشکار است. بیش‌تر مؤلفان و نگارندگان خاطرات دوره قاجار در متن روی‌داده‌ها بوده‌اند و به این سبب، اطلاعات سیاسی و تاریخی، روح حاکم بر متن آثار آنهاست و از منابع تاریخ‌نگاری به‌شمار می‌روند. دلیل دیگر این توجیه، دیدگاه مورخانه بیش‌تر این افراد و توجه آنان به جمهور آرای اهل تشخیص (اجماع نظر اهل تحقیق) است و بنابراین، خاطرات دوران قاجار از منابع مهم تاریخ‌نگاری این سلسله به‌شمار می‌روند (اشرف، ۱۳۷۵: ۱۲؛ کمری، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۸؛ فراگنر، ۱۳۷۷: ۸-۱۳) و آنها را در رتبه منابع اصلی تاریخ‌نگاری آن روزگار باید نشانند.

ارزش‌گذاری خاطرات بر پایه میزان استفاده دیگر منابع و مطالعات تاریخی از آنها و بر پایه روش‌ها و شاخص‌های مقبول در حوزه سنجش و پالایش منابع تاریخ‌نگاری، از روش‌هایی است که به تعیین جایگاه این آثار در روند تاریخ‌نگاری دوره قاجار کمک می‌کند.

با توجه به اینکه نویسندگان بیش از نود درصد این خاطرات، آنها را دست‌کم نیم قرن پس از ثبتشان چاپ کرده‌اند، کمابیش نمونه‌ای متواتر از استفاده از آنها در زمان حکومت قاجاریان در دست نیست.

مخفی بودن این دل‌نوشته‌ها و ناآگاهی گروه وسیعی از مردم از وجود آنها، نخستین عامل کمبود استفاده از آنهاست. البته نویسندگان خاطرات از اثرهای مشابه آثار خودشان بهره برده‌اند. برای نمونه، سردار مریم بختیاری و ناظم السلطان کرمانی در خاطرات خود از خاطرات چاپ شده ظل‌السلطان استفاده و بر این استفاده تأکید کرده‌اند (ناظم السلطان کرمانی، ۱۳۶۲: ۱؛ ۱۴۵-۱۵۰؛ بختیاری، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۵). مؤلف *تاریخ بیداری* حتی در خاطرات خویش از *حیات یحیی* نیز بهره برده و مطالبی را نیز از آن نقل کرده است (ناظم السلطان کرمانی، ۱۳۶۲: ۱؛ ۲۴۱). دست‌یابی وی به این اثر در آغاز تدوین این حدیث‌نفس، از نکته‌های درخور توجه به‌شمار می‌رود. خود اثر ناظم الاسلام نیز بر اثر چاپ شدن تدریجی‌اش و آگاهی دیگران به وجود آن، دست‌مایه بسیاری از کسان بوده؛ چنان‌که میرزا عبدالجواد اخوت تاجر اصفهانی در ذکر حالات ناصرالدین شاه در متن *خاطراتش*، از توصیف و کلمات متن ناظم الاسلام بهره برده و به‌رغم استفاده‌اش از *تاریخ بیداری*، به آن ارجاع نکرده است (نفیسی، ۱۳۸۶: ۱۲۶-۱۲۷). استفاده از خاطرات ناظم السلطان در اثر کسی چون ادوارد براون در *تاریخ مشروطه*، اهمیت دارد و بر مهم بودن این آثار در زمانه خودشان، دلالت می‌کند.

بنابراین، خاطرات چاپ شده به‌زودی به دست دیگران می‌رسید و مخاطبان از همان آغاز از آنها بهره می‌بردند. هم‌چنین استفاده از خاطرات در دیگر منابع و مطالعات تاریخی دوران قاجار، از آغازین دهه‌های پیدایی این روش تازه تاریخ‌نگاری، فراگیر شد و اهمیت استفاده از این منابع مستند



نزد محققان، هر روز فزونی می‌گرفت. استفاده تاریخ‌نگاران برجسته‌ای همچون کسروی و آدمیت از خاطرات، نمونه‌ای از این دست به شمار می‌رود. این بهره‌گیری و اهمیت در پژوهش‌های امروزی نمایان‌تر شده است و مطالعات تاریخی بارها به آنها استناد می‌کنند. البته حوزه نقد خاطرات در زمینه تاریخ‌نگاری، با شاخص‌ها و گزینه‌های بیش‌تری به بررسی آنها می‌پردازد و با روی‌کردهای افزون‌تری به آنها توجه می‌کند. شاخص‌های عمومی ناقدان خاطره‌نگاری و خاطره‌نویس‌های طبقات خاطره‌نگاران، بدین شرح عرضه می‌شود:

۱. میزان استفاده خاطره‌نگاران از اسناد، فرمان‌ها و مکاتبات در متن خاطراتشان؛
۲. دارا بودن نگاه و بینش مورخانه (ثبت جریان‌ات و وقایع با دید تاریخی و هدف تاریخ‌نگاری)؛
۳. میزان عرضه داده‌های تاریخی بکر؛
۴. دارا بودن بینش و نگاه نقادانه در تحلیل مسائل.

مهم‌ترین روی‌کردی که شاید بر پایه آن به تحلیل خاطرات در زمینه تاریخ‌نگاری و ارزش‌گذاری آنها بتوان پرداخت، توجه به پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران است؛ زیرا برداشت‌ها و بینش‌ها و تحلیل‌های خالقان این آثار، بیش‌تر از پایگاه طبقاتی آنان سرچشمه می‌گیرد. از همین روی، با توجه به پژوهش‌های مرتبط با پایگاه طبقاتی جامعه قاجار، چند طبقه را در زمینه خاطره‌نگاری می‌توان شناسایی کرد:

۱. طبقه مسلط جامعه

طبقه مسلط و «صاحب امتیاز» دوره قاجار، شاهزادگان، رؤسای ایالات، حکام ایالات و فرمان‌دهان نظامی، رده‌های بالای دیوان‌سالاری و علما بودند (اشرف، ۱۳۷۸: ۴۴) که بنابر تقسیم‌بندی پیش‌گفته، ۲۳ خاطره‌نویس در این گروه جای می‌گیرند؛ دوازده تن پیش از مشروطه و یازده تن پس از مشروطه. اسماعیل میر پنجه، ناصرالدین‌شاه، بصیر الملک شیبانی، میرزا قهرمان امین لشکر، محمدعلی غفاری، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، عباس میرزا ملک‌آرا، دوست‌علی معیر الممالک، حسین‌قلی‌خان نظام مافی، امین الدوله، مسعود میرزا ظل السلطان و فریدالملک همدانی در دوره اول و عزیز السلطان، ظهیر الدوله، شرف الدوله تبریزی، عین السلطنه قهرمان میرزا، معیر الممالک، سردار مریم بختیاری، محمدولی‌خان تنکابنی سپهسالار، احتشام السلطنه، جعفرقلی‌خان بختیاری، تاج السلطنه و محمدولی میرزا فرمان‌فرمایان در دوره دوم آثارشان را سامان دادند.

همه خاطره‌نگاران این طبقه از بالاترین گروه‌های اجتماعی بودند و در بیش‌تر فعالیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌کردند و از این‌رو، حدیث نفسشان از اهمیت فراوانی برخوردار است و بنابر شاخص عرضه داده‌های بکر تاریخی، جایگاه ویژه دارد. اطلاعات ارزنده بیش‌تر خاطره‌نگاران این طبقه خود سنجه درستی بیش‌تر آثار موجود در این زمینه در دیگر منابع به شمار می‌روند، اما استفاده آنان از اسناد، مکاتبات و فرمان‌ها رتبه پائینی در آثارشان دارد؛ چنان‌که شمار آوردگان این نوع مستندات، بیش از انگشتان یک دست نیست. خاطرات چاپ شده با عنوان خاطرات و اسناد هر



یک از آنان، بیش‌تر وام‌دار تلاش مصححان آنها است که مطالبی تکمیلی بر آنها افزوده‌اند. بیش‌تر خاطره‌نگاران طبقه مسلط، بینش و نگاه نقادانه‌ای داشتند و بر اثر حضورشان در بطن روی‌داده‌ها، به خوبی کُنه و گوشه و کنار امور را می‌شناختند و می‌توانستند نقدهای جذاب و جالبی درباره حوادث و واقعات عرضه کنند. روزنامه‌خاطرات اعتماد السلطنه، عین السلطنه، امین الدوله، عزیز السلطان، ظهیر الدوله، احتشام السلطنه، نمونه‌هایی دارای روی‌کرد نقادانه فراگیرند و نویسندگان آنها در متن خاطراتشان، به تحلیل ژرف روی‌داده‌ها پرداخته‌اند. بر کنار از این دید نقادانه، بیش‌تر آثار خاطره‌نگاران این گروه را مکمل بینش مورخانه آنان می‌توان خواند. خاطره‌نگاران بسیاری از این طبقه با صراحت از هدف خویش در ثبت روی‌داده‌ها از منظر تاریخی و تاریخ‌نگاری اذعان کرده و در مسیر تحقق این هدف گام زده‌اند. بینش بیش‌تر این «حدیث نفس» نویسان تاریخ‌ساز در بیان مطالب تاریخی، کلان‌نگر است و حتی مطالب گروه دارای بینش خردنگر هم اهمیت ویژه‌ای دارد. بیش‌تر خاطره‌نگاران طبقه مسلط بر اثر جایگاه والای خانوادگی‌شان، از آموزشی ویژه بهره برده بودند و حتی در نثر نیز چیره‌دست بودند. نمونه‌های زیبای نثر و استواری متن آنان در خاطراتشان نمایان است. صراحت و شجاعت، پرداختن به زوایای مخفی امور، روی‌کرد نقادانه گسترده درباره روی‌داده‌ها نیز تا اندازه‌ای از همین پایگاه طبقاتی آنان سرچشمه می‌گیرد. خود بزرگ‌بینی مفرط و تبرئه خویش از بیش‌تر خطاها را نیز از دیگر ویژگی‌های خاطرات خاطره‌نویسان این طبقه می‌توان برشمرد.

۲. طبقه متوسط

طبقه متوسط جامعه، تجار، علمای میانه‌حال، زمین‌داران کوچک، اعیان محلی و در سطحی پایین‌تر از آنان، صنعت‌گران و پیشه‌وران بودند (اشرف، ۱۳۷۸: ۵۹). دو خاطره‌نگار دوره اول (میرزا حسین خان دیوان بیگی، میرزا محمودتقی آشتیانی) و دوازده خاطره‌نگار دوره دوم (محمدتقی جوراب‌چی، تفرشی حسینی، محمدعلی محلاتی، ناظم الاسلام کرمانی، سید علی محمد دولت‌آبادی، محمد مهدی شریف کاشانی، سید محمد کمره‌ای، یحیی دولت‌آبادی، حاج میرزا عبدالجواد اخوت، سید محمد رضوی / نواب وکیل، حاجی محمدباقر ویجویه) در این طبقه جای می‌گیرند. اعضای این طبقه هم اطلاعات شایسته‌ای درباره امور سیاسی داشتند، هم در امور سیاسی فعال بودند. میزان استفاده این طبقه از اسناد و مکاتبات در سنجش با طبقه پیشین، بسی افزایش یافته است؛ یعنی نویسندگان این دسته، به طرز شگفتی‌آوری از مستندات در خاطرات خویش بهره برده‌اند. اولویت مؤکد برجسته‌ترین خاطره‌نگاران این گروه، ثبت روی‌داده‌های تاریخی است؛ یعنی ثبت روی‌داده‌های سیاسی کشور را بر ذکر احوال شخصی خویش راجح دانسته و با دیدی مورخانه به نقادی روی‌داده‌های روزانه پرداخته‌اند. البته این دید نقادانه در آثار بیش‌تر خاطره‌نگاران گروه دوم این طبقه دیده می‌شود. عرضه اطلاعات بکر تاریخ سیاسی نیز در آثار خاطره‌نگاران این طبقه در سنجش با خاطره‌نگاران دسته پیشین، رتبه پایین‌تری دارد و بر اثر کلان‌نگری و کلی‌نویسی گسترده این طبقه، جزئیات مسائل تاریخی کم‌تر موضوع نوشتار بوده است.



البته آثار این دسته از خاطره‌نگاران در سنجش با آثار گروه نخست، از منظر تاریخ اجتماعی و شرح زندگی توده مردم، راجح‌تر و ممتازتر است. برای نمونه، تغییرات و تحولات متأثر از ارتباط ایرانیان با جامعه جهانی، پیدایی طبقه‌ای جدید میان طبقات جامعه به نام «طبقه متوسط» در این آثار بازتابیده‌اند. طبقه متوسط جدید سه گروه را در برمی‌گرفت: تحصیل‌کردگان جدید (روشن‌فکران نوپا)؛ بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها؛ گروه نوپای کارگر صنعتی (شرف، ۱۳۷۸: ۶۳-۶۵).

پیدایی این طبقه جدید، حاصل تحولات پس از انقلاب مشروطه در ایران بود. نشانی از این طبقه نوپدید در دوره اول نیست، بلکه همه پنج خاطره‌نویس عضو این طبقه، در دوره دوم می‌زیستند: میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله، عبدالحسین شیبانی و حیدالملک، حیدرخان عمو اوغلی، عماد‌الکتاب و علی دشتی. این پنج تن، از تحصیل‌کردگان جدید و افراد وابسته به نظام دیوان‌سالاری قاجار بودند و بر اثر دوری‌شان از بطن بسیاری از روی‌داده‌ها، عرضه داده‌های پکر تاریخی در آثارشان، رتبه پایینی دارد و استاد به هر نوع سند و فرمانی در آثار آنها یافت نمی‌شود. هیچ یک از این خاطره‌نگاران در دل نوشته‌های خویش هدفش را تاریخ‌نگاری ندانسته، اما به تلویح در مسیر تحقق همین هدف قلم زده و با عرضه نقدهای ویژه درباره موضوعات گوناگون، نظر نقادانه‌اش را عرضه کرده است. اگرچه آثار این طبقه از منظر شاخص‌های یاد شده جایگاه بالایی ندارند، بر اثر تبلور من فردی در نقدهای آنان و امکان شناسایی افراد گوناگون از طریق این خاطرات، این دل‌نوشته‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. با توجه به آمار خاطره‌نگاران طبقه مسلط در دو دوره پیش‌گفته (۲۳ نفر) و برتری پایگاه طبقاتی آنان که به آگاهی آنان از روی‌داده‌های بسیاری می‌انجامید و با توجه به فعال بودن این افراد در آن روی‌داده‌ها، این گروه در سنجش با خاطره‌نگاران طبقه متوسط بهتر توانسته‌اند از دیدی مورخانه و نقادانه به بیان و نقد مسائل تاریخی بپردازند؛ چنان‌که آثارشان حتی با نقص استناد به مستندات متقن، خود به سند و شاخص ارزش‌گذاری دیگر منابع تاریخی بدل گشته‌اند. خاطرات اعتماد السلطنه، امین‌الدوله، حسین‌قلی‌خان مافی و عین السلطنه نمونه‌های برجسته‌ای در این میان به شمار می‌روند که بنابر داده‌های تازه خاطراتشان، درستی مطالب دیگر آثار را در زمینه‌های مشترک، با استناد به آثار آنان می‌توان تأیید کرد.

نتیجه

منابع خاطره‌نگاری را از گونه‌های تاریخ‌نگاری درباره سلسله قاجار می‌توان برشمرد که متأثر از افکار و مظاهر جدید اروپایی از میانه عصر ناصری پدید آمدند، اما راهی را متفاوت با نمونه‌های غربی‌شان پیمودند. خاطره‌نویسی در غرب معطوف به اصالت وجودی انسان و بیش‌تر در خدمت شرح حال درونی نویسندگانشان بود و از این‌رو، در مقوله ادبیات می‌گنجید، اما خاطره‌نگاران ایرانی با آگاهی از این «من» و «متبلور کردن» آن در «مای اجتماعی»، آن را نه در خدمت بیان احوال و اصالت وجودی خود، بلکه در شرح روی‌داده‌های سیاسی و اجتماعی پیرامون خود، به کار بستند. این نویسندگان، متأثر از فضای





انتقادی حاکم بر بسیاری از حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان، خاطره‌نویسی را به گونه‌ای (ژانری) در بیان انتقادات بدل کردند. این حوزه خصوصی که در حریم خلوت شخصی نویسندگان «حدیث نفس» پدید آمد، بنابر آگاهی آنان از بی‌سامانی وضع جامعه، ابزاری برای نقد گوشه و کنار اجتماع آن زمان با روی کردی تاریخی و انتقادی به شمار می‌رفت و آثار آنان بر اثر پنهانی و غیر رسمی بودن و در برداشتن داده‌های بکر درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به تاریخ‌نگاری مخفی بدل گشت و از اعتبار فراوان در تاریخ‌نگاری این دوره برخوردار شد.

انقلاب مشروطه نیز در دوام و تحول این گونه بسی تأثیر گذارد. وقوع این انقلاب گسترده و ضرورت ثبت روی داده‌های آن، گروه‌های خاصی را به این نوع تاریخ‌نویسی برانگیخت و از منظر کمی و کیفی آن را متحول کرد. با توجه به مهم بودن انقلاب مشروطه، از منظر تاریخی خاطرات مرتبط با دوره قاجار، در دو دوره پیش و پس از مشروطه جای می‌گیرند و با توجه به پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران، آنها را به خاطرات طبقه مسلط و خاطرات طبقه متوسط می‌توان تقسیم کرد. چهارده خاطره‌نگار (دارای پانزده اثر) در دوره اول می‌زیستند که بیش‌تر به ثبت روی داده‌های تاریخ سیاسی می‌پرداختند و ۲۷ خاطره‌نویس (دارای ۲۷ اثر) در دوره دوم حاضر بودند و بیش‌تر در ثبت روی داده‌های تاریخ اجتماعی و زندگی توده مردم و بازتابی تأثیر انقلاب مشروطه در زندگی عوام، می‌کوشیدند. آثار این گروه، تأثیر انقلاب مشروطه را در روی داده‌های تاریخی - ادبی نمایان می‌کند.

پانزده خاطره‌نگار دوره دوم در طبقه متوسط و دو خاطره‌نگار از این طبقه در دوره اول جای می‌گیرند و با توجه به جای‌گیری دوازده خاطره‌نگار این دوره در طبقه مسلط، این فرضیه را می‌توان اثبات کرد که انقلاب مشروطه به چرخش پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران طبقه مسلط دوره اول به طبقه متوسط دوره دوم انجامید. با توجه به پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران که مستقیم در اندیشه‌ها و دلایل و شیوه خاطره‌نویسی آنان مؤثر بود و با توجه به شاخص‌های داشتن بینش و نگاه مورخانه و انتقادی، میزان استفاده آنان از اسناد و مکاتبات و فرمان‌ها و میزان عرضه داده‌های بکر تاریخی و سیاسی و با توجه به اینکه بیش‌ترین خاطره‌نویسان از طبقه مسلط و در روی داده‌ها فعال بودند و بر اثر پایگاه طبقاتی ویژه‌شان، از بسیاری از روی داده‌ها آگاهی داشتند، از منظر ارزش‌گذاری خاطرات از دید تاریخ‌نگاری نیز خاطرات طبقه اول را از خاطرات طبقه دوم ارزنده‌تر می‌توان برشمرد. البته آثار خاطره‌نگاران طبقه متوسط نیز به دلیل عرضه گزارش گسترده دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی، امتیاز و ارزش ویژه‌ای دارند.

باری، خاطره‌نگاری جدید که بر اثر نمودهای اندیشه تازه اروپایی پدید آمد و با جنبش مشروطه‌خواهی متحول و متطور شد، همچون دیگر شیوه‌های تاریخ‌نگاری ایرانی این عصر، از اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه تأثیر پذیرفت و خودش از منظر سبک و نثر، موضوع و فن تاریخ و زبان گزارش روی داده‌ها، تحولی در عرضه محتوای تاریخ‌نگارانه پدید آورد.



یادداشت‌ها

۱. میرپنجه، اسماعیل (۱۳۷۰). *خاطرات اسارت (روزنامه سفر خوارزم و خیوه)*، به کوشش صفاء الدین تبرائیان، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۲. عماد الدفتر آشتیانی، محمود تقی بن علی (۱۳۸۲). *عبرت نامه (خاطراتی از دوران پس از جنگ‌های هرات و مرو)*، مقدمه حسین عمادی آشتیانی، تهران: نشر مرکز.
۳. ناصرالدین قاجار (۱۳۷۸). *یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق)*، به کوشش پرویز بدیعی، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
۴. ناصرالدین قاجار. (۱۳۸۴). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه (از محرم تا شعبان ۱۳۰۶ ق)*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، الهام ملکزاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
۵. شیبانی، بصیرالملک (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات بصیرالملک شیبانی (۱۳۰۱-۱۳۰۶ ق: روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه)*، به کوشش ایرج افشار، محمد رسول دریا گشت، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۶. لشکر قهرمان، امین (۱۳۷۸). *روزنامه‌ی خاطرات امین لشکر (وقایع سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۰۶ ق)*، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت، تهران: اساطیر.
۷. غفاری، محمد علی (۱۳۶۱). *خاطرات و اسناد محمد علی غفاری (نایب اول پیشخدمت باشی)*، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۸. اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۸۵). *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*، تهران: امیر کبیر.
۹. نوایی، عبدالحسین (۱۳۵۵). *شرح حال عباس میرزا ملک آرا*، تهران: بابک.
۱۰. معیرالممالک، دوستمحمد (۱۳۶۱). *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصر الدین شاه*، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۱. نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*، به کوشش معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان و حمید رام پیشه، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۲. امین الدوله، علی بن محمد (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله*، تهران: امیر کبیر.
۱۳. دیوانبگی، حسین بن رضا علی (۱۳۸۲). *خاطرات دیوان بیگی از سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۳۱۷ قمری (کردستان و طهران)*، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت، تهران: اساطیر.
۱۴. ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸). *خاطرات ظل السلطان (سرگذشت مسعودی)*، تهران: اساطیر.
۱۵. فریدالملک همدانی، محمد علی (۱۳۵۴). *خاطرات فرید (از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ ه.ق)*، گرد آورنده مسعود فرید قراگزلو، تهران: زوار.
۱۶. میرزایی، محسن (۱۳۷۶). *روزنامه‌ی خاطرات عزیزالسلطان ملیجک ثانی*، تهران: زریاب.
۱۷. ظهیرالدوله، علی بن محمد ناصر (۱۳۶۷). *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به کوشش ایرج افشار،



- تهران: زرین
۱۸. کلاتری باغمیشه یی، ابراهیم (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات شرف الدوله*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: فکرروز: کلبه
۱۹. تفرشی حسینی، احمد (۱۳۶۸). *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
۲۰. جوراچی، محمد تقی (۱۳۸۶). *حرفی از هزاران که اندر حکایت آمد (وقایع تبریز و رشت ۱۳۳۴-۱۳۳۰ ق)*، به کوشش علی قیصری، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲۱. سیاح، محمدعلی (۱۳۵۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف الله گلکار، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۲۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۶۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه: نوین.
۲۳. دولت آبادی، سید علی محمد (۱۳۶۲). *خاطرات سید علی محمد دولت آبادی*، تهران: فردوسی
۲۴. شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲۵. سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: اساطیر.
۲۶. معیر الممالک، دوست محمد (۱۳۶۱). *وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)*، به کوشش خدیجه نظام مافی، تهران: نشر تاریخ ایران.
۲۷. ممتحن الدوله، مهدی (۱۳۶۲). *خاطرات ممتحن الدوله*، به کوشش حسینقلی خان شقاقی، تهران: فردوسی.
۲۸. کمره‌ای، سید محمد (۱۳۸۲). *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، به کوشش محمد جواد مرادی نیا، تهران: نشر پژوهش شیرازه
۲۹. بختیاری، مریم (۱۳۸۲). *خاطرات سردار مریم بختیاری*، ویراسته غلام عباس نوروزی بختیاری، تهران: آزان..
۳۰. شیبانی، عبدالحسین (۱۳۷۸). *خاطرات مهاجرت (از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن)*، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: شیرازه.
۳۱. تنکابنی، محمدولیخان (۱۳۷۸). *یادداشت‌های محمد ولی خان تنکابنی (سپهسالار اعظم)*، به تصحیح دکتر الهیار خلعتبری، فضل الله ایرجی کجوری، تهران: انتشارات دانشگاه بهشتی.
۳۲. علامیر محمود (۱۳۹۲). *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار
۳۳. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). *حیات یحیی*، تهران: عطار: فردوسی



۳۴. نفیسی، مهدی (۱۳۸۶). از طبابت تا تجارت (خاطرات یک تاجر اصفهانی حاج میرزا عبدالجواد /خوت)، تهران: نشر تاریخ ایران.
۳۵. عماد الکتاب، محمد حسین (۱۳۸۴). کمیته‌ی مجازات و خاطرات عماد الکتاب، به اهتمام محمد جواد مرادی نیا، تهران: اساطیر
۳۶. رضوی، سید محمد (۱۳۷۸). خاطرات نواب وکیل نماینده سومین دوره مجلس شورای ملی، به کوشش اکبر قلم سیاه، تهران: موسسه انتشارات گیتا.
۳۷. سردار اسعد بختیاری، جعفر قلی (۱۳۷۸). خاطرات سردار اسعد بختیاری، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر
۳۸. ویجویه، محمد باقر (۱۳۴۸). تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، به کوشش علی کاتبی، تبریز: ابن سینا.
۳۹. رائین، اسماعیل (۱۳۵۸). خاطرات و اسناد حیدر خان عمو اوغلی، تهران: انتشارات موسسه تحقیق رائین.
۴۰. تاج السلطنه (۱۳۶۱). خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
۴۱. دشتی، علی (۱۳۸۰). ایام محبس، به کوشش مهدی ماحوزی، تهران: اساطیر.
۴۲. فرمانفرمایان، محمد ولی (۱۳۸۲). از روزگار رفته حکایت، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: کتاب سیامک
۴۳. برای نمونه‌هایی در تأیید این مدعا می‌توان مقدمه‌ی خاطرات کسانی چون اسماعیل میر پنجه، میرزا علی خان امین الدوله و نظام السلطنه مافی را ذکر کرد.

References

مأخذ

Adamiyat, F.(1972). *The idea of progress and the rule of law in the Sepahsalar era*, Tehran: Kharazmi [In Persian]

آدمیت، فریدون (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.

Ashraf, A.(1996). History of memoirs in Iran, *IranNameh*, 15(4), 5-26 [In Persian]

اشرف، احمد (۱۳۷۵). سابقه خاطره‌نگاری در ایران، *ایران نامه*، ۱۵ (۴)، ۵-۲۶

Ashraf, A.; Banou Azizi, A.(1999). *Social classes, state and revolution in Iran (a collection of essays)*, Translated by Soheila Torabi Farsani, Tehran: NilooFar [In Persian]





اشرف، احمد؛ بنو عزیزی، علی (۱۳۷۸). *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.

Bakhtiari, M. (2003). *Khaterate Sardar Maryam Bakhtiari [Sardar Maryam's reminiscences]*, edited qolam Abbas Norouzi Bakhtiari, Tehran: Anzan [In Persian]
بختیاری، مریم (۱۳۸۲). *خاطرات سردار مریم بختیاری*، ویراسته غلام عباس نوروزی بختیاری، تهران: آنزان.

Dowlatabadi, A.M. (1983). *Memoirs of Seyed Ali Mohammad Dowlatabadi*, Tehran: ferdowsi [In Persian]

دولت آبادی، سید علی محمد (۱۳۶۲). *خاطرات سید علی محمد دولت آبادی*، تهران: فردوسی

Elahi, S. (1996). A century in the mirror of two books, *Iran Nameh*, 14(4), 559-586 [In Persian]

الهی، صدرالدین (۱۳۷۵). یک قرن در آئینه دو کتاب، *ایران نامه*، ۱۴ (۴)، ۵۵۹-۵۸۶

Etemad al Saltaneh, Muhammad Hasan Ibn Ali (2006). *Etemad Al-Saltanah Memoirs Newspaper*, Tehran: Amir Kabir [In Persian]

اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۸۵). *روزنامه اعتماد السلطنه*، تهران: امیر کبیر.

Fragner, B.G. (1998). *Persische memoiren literatur als Quelle Zur Neueren Geschichte Irans [Persian memoir literature as Quelle Zur Neueren Geschichte]*, translated by Majid Jalilvand, Tehran: Scientific and cultural publications [In Persian]

فراگنر، برت گ. (۱۳۷۷). *خاطرات نویسی ایرانیان*، ترجمه مجید جلیوند رضایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Kalantari Baqmishe ei, I. (1998). *Sharaf al-Dawlah Memoirs Newspaper*, by Yahya Zoka, Tehran: fekre rooz: Kolbeh [In Persian]

کلانتری باغمیشه یی، ابراهیم (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات شرف الدوله*، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: فکرروز: کلبه

Kamari, AliReza (2004). *Remembering the memory: v.1: An introduction to Persian memoirs and memoirs in the history of Iran*, Tehran: Soure Ye Mehr [In Persian]





کمری، علی رضا، (۱۳۸۳). با یاد خاطره: ج. ۱: درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره نگاشته‌های پارسی در تاریخ ایران، تهران: انتشارات سوره مهر.

Nafisi, M. (2007). *From medicine to business (Memoirs of an Isfahani businessman Haj Mirza Abdul Javad ukhovat*, Tehran: Nashre Tarikh e Iran [In Persian]

نفیس، مهدی (۱۳۸۶). از طبابت تا تجارت (خاطرات یک تاجر اصفهانی حاج میرزا عبدالجواد اخوت)، تهران: نشر تاریخ ایران.

Nazim al Islam Kirmani, Muhammad Ibn Ali (1983). *History of the Iranian Awakening*, by Ali Akbar Sirjani, Teharn: Agah: Novin [In Persian]

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۶۲). تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آگاه: نوین.

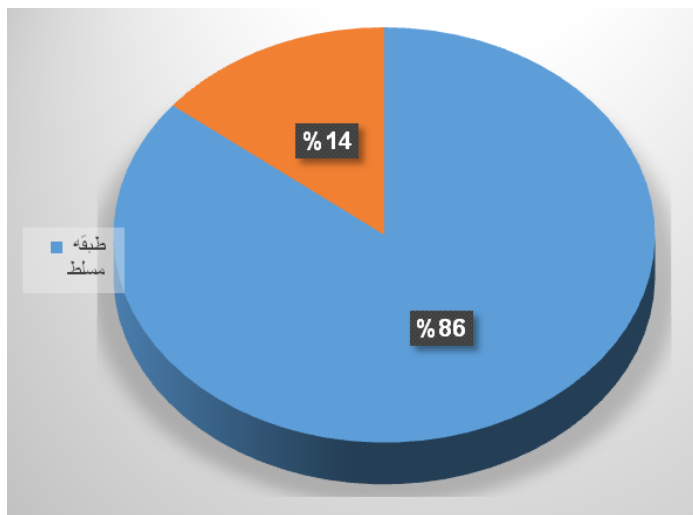
Qadimi Qeidari, A. (2009). Evolution of the Critique of Traditional Historiography in Qajar Iran, *Cultural history Staudies*, 1(2), 173-206 [In Persian]

قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۸). تکوین جریان انتقاد بر تاریخ‌نویسی سنتی در ایران عصر قاجار، مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱(۲)، ۱۷۳-۲۰۶

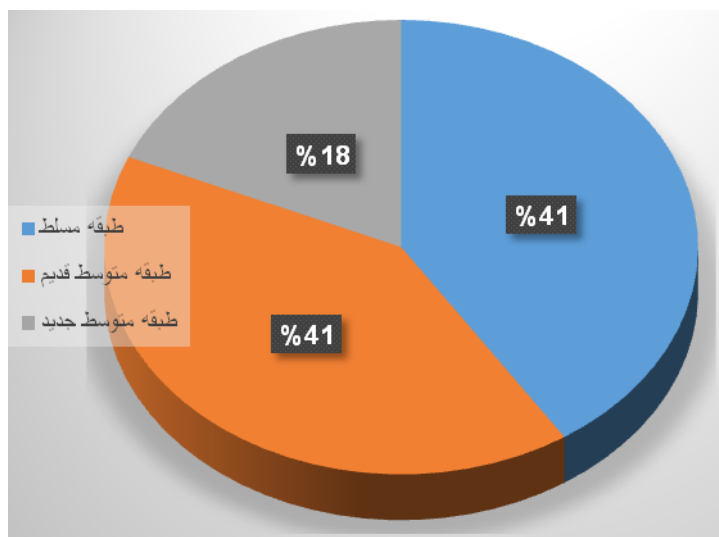
Vahadt, F. (2003). *Iran's intellectual encounter with modernity*, translated by Mahdi Haqiqat Khah, Tehran: Qoqnus

وحدت، فرزین (۱۳۸۲). رویارویی فکری ایران با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس

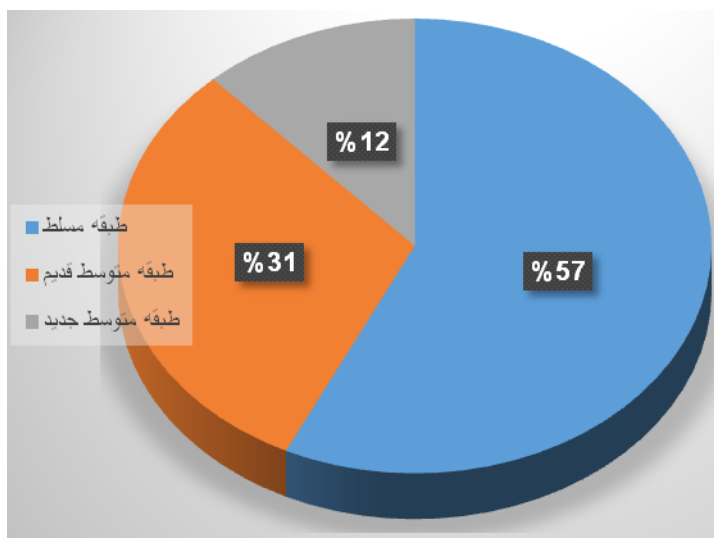




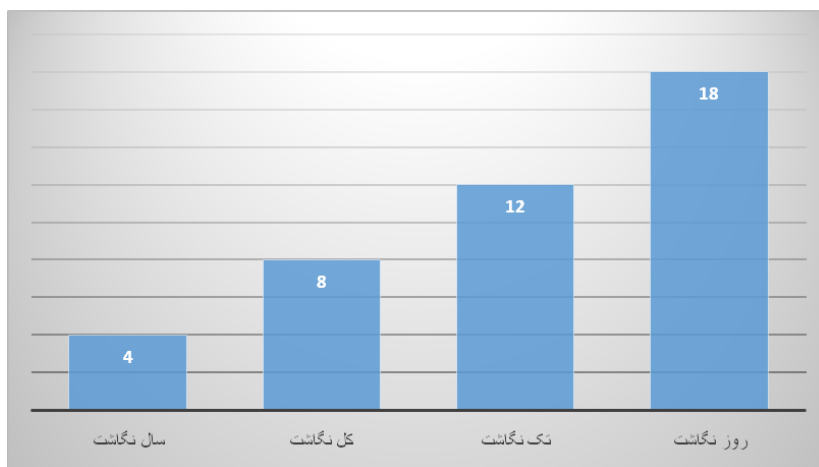
نمودار یکم: پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران پیش از دوره مشروطه



نمودار دوم: پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران دوره مشروطه



نمودار سوم: پایگاه طبقاتی خاطره‌نگاران عصر قاجار



نمودار چهارم: انواع نگارش خاطرات عصر قاجار